رویکرد

نیاز واشینگتن به توافق جدید با تهران بعد از ۷ اکتبر

ماریا فانتاپی / ولی نصر

پیش از جنگ اخیر غزه، مقام‌های امریکایی که احساس می‌کردند منطقه سرانجام به سمت نوعی ثبات حرکت می‌کند، ایران را به عنوان یک عامل مخرب نمی‌دیدند، به هر حال تهران این اواخر، روابطش را با کشورهای مختلف عربی احیا کرده بود. اکنون که حمایت ایران در تاب‌آوری و توانمندی نظامی حماس به حساب می‌آید، به نظر می‌رسد توانمندی‌های نظامی منطقه‌ای خود ایران نیز کاملاً قدرتمند باشد. هر چند تهران مایل به یک منازعه گسترده‌تر نیست اما روی نمایش قدرت حماس حساب کرده است. امریکا باید راهبرد تازه‌ای را برای خاورمیانه طراحی کند؛ راهبردی که بتواند واقعیت‌هایی را که واشینگتن نادیده گرفته، به حساب آورد. برای مثال، واشینگتن نمی‌تواند بیش از این مسئله فلسطین را نادیده بگیرد. در واقع ناچار است حل‌وفصل این منازعه را در کانون تلاش‌های خود قرار دهد.

واشینگتن همچنین باید قدرت در حال رشد تهران را چاره کند که در خاورمیانه جنجال به پا کرده است. اگر امریکا می‌خواهد صلح را به خاورمیانه بیاورد، باید راه‌های تازه‌ای برای محدودکردن ایران و نیابتی‌هایش بیابد، به همان اندازه هم مهم است که واشینگتن تمایل ایران در به چالش کشیدن نظم منطقه‌ای را کم کند. واشینگتن به ویژه به توافق تازه‌ای برای جلوگیری از حرکت ایران به سمت توانمندی سلاح‌های هسته‌ای نیاز دارد.

این معامله بزرگ تازه، به آن سرراستی توافقی نیست که امریکا پیش از هفتم اکتبر درباره آن سرگرم گفت‌وگو بود؛ نه با عادی‌سازی میان عربستان و اسرائیل آغاز می‌شود و نه به اتحاد عربی-اسرائیلی علیه ایران ختم خواهد شد. امریکا ثبات اوضاع پیش از هفتم اکتبر در منطقه را دست بالا و نیروهایی را که علیه آن صف‌آرایی کرده بودند، دست‌کم گرفته بود. امریکا همچنین به غلط گمان می‌کرد دیگر کشورهای خاورمیانه به حمایتش از تقلای ریاض برای هژمونی منطقه‌ای اعتراضی نخواهند کرد. برای مثال، واشینگتن بر این گمان بود که تهران برای عادی‌سازی روابطش با کشورهای عربی، بیش از حد مشتاق است، ضمن آنکه آنقدر درگیر ناآرامی‌های داخلی است که در برنامه‌های امریکا دخالتی نخواهد کرد.

اما بزرگ‌ترین بدسنجی امریکا این بود که فکر می‌کرد می‌تواند مسئله فلسطین را نادیده بگیرد. برای مثال، توافق ضمنی‌اش با سعودی‌ها، بر این گمان متکی بود که ریاض می‌تواند روابطش را با اسرائیل عادی‌سازی کند و پاتش گسترده‌ای هم در کار نباشد، همانطور که هفتم اکتبر نشان داد، باورهای واشینگتن نسبت به منطقه کاملاً نادرست بود و هنوز هم امریکا، اندیشه خود را به‌روزرسانی نکرده است. به جای تلاش برای یک کارزار محدود نظامی که شاید وجهه اسرائیل را نجات دهد، پاسخ نامعمول واشینگتن به جنگ در غزه، تقریباً به حمایت بی‌قیدوشرط از یک تهاجم نظامی خشونت‌بار تبدیل شد. نتیجه این رخداد، شعله کشیدن خشمی در سراسر خاورمیانه است که هم ضداسرائیلی است و هم ضدامریکایی.

ایران برنده است

حکومتی که بیشترین بهره را از این جنگ برده، ایران است. زنده‌شدن مسئله فلسطین، یک بار دیگر توجه منطقه را بر شامات متمرکز کرده است. «محور مقاومتی» که ایران آن را رهبری می‌کند، نشان داده است می‌تواند جهت‌گیری سیاست در خاورمیانه را تغییر دهد و منازعات منطقه‌ای را تشدید کند یا تخفیف دهد. ایران با ارائه کمک بی‌قیدوشرط به حماس، همچنین وجهه خود را به عنوان مدافع فلسطینی‌ها، تقویت کرده و حمایت مردمی از خود را در سراسر خاورمیانه افزایش داده است. ایران همچنین حمایتش از حماس را با روابط رو به رشد با جهان عرب توازن می‌دهد تا خودش را به طور کامل در سیاست منطقه‌ای بگنجاند.

فوری‌ترین تکلیف واشینگتن، خاتمه‌دادن به جنگ در غزه است. تا زمانی که اسرائیل به این قلمرو حمله می‌کند و غیرنظامیان آنجا را می‌کشد و امریکا هم کار زیادی برای مهار متحدش نمی‌کند، دولت‌ها و مردم کشورهای عربی خشمگین‌تر از آن خواهند بود که از رهنمودهای واشینگتن پیروی کنند، در نتیجه مقام‌های امریکایی باید به اسرائیل فشار آورند که از ادامه جنگ علیه حماس که مجازات دسته‌جمعی غیرنظامیان است، دست بکشد، هر چند ریاض ممکن است به این زودی‌ها، روابطش را با اسرائیل عادی‌سازی نکند، اما عربستان‌سعودی تنها کشوری است که در جایگاه و شرایط مناسبی با همه کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا قرار دارد، حتی روابطی صمیمانه، هر چند نه رسمی با اسرائیل دارد و یک میانجی کلیدی در منطقه است.

نشست سران عربی-اسلامی که همچنین ایران و ترکیه را دربرمی‌گرفت، نخستین گام در مسیر تقویت برتری عربستان در منطقه با فراهم‌شدن فرصتی برای این کشور به منظور حل‌وفصل منازعه اسرائیلی-فلسطینی بود. برای تحقق این هدف، عربستان‌سعودی با ترکیه و ایران کار می‌کند که مهم‌ترین بازیگران قدرت در جهان عرب هستند و نیز با اسرائیل به واسطه امریکا تا به یک چارچوب جامع برای فرایند صلح اسرائیلی-فلسطینی برسند که هدف آن تشکیل یک کشور فلسطینی است. پس از آن است که عربستان‌سعودی و شرکایش برای ایجاد یک چارچوب فراگیر برای امنیت منطقه تلاش می‌کنند که باید دربرگیرنده قوانین و خطوط قرمزی باشد که از سوی همه طرف‌ها پذیرفته شود.

> معامله بزرگ تازه‌ای که امریکا به آن نیاز دارد، به آن سرراستی توافق عادی‌سازی نیست که امریکا پیش از هفتم اکتبر درباره آن سرگرم گفت‌وگو بود؛ نه با عادی‌سازی میان عربستان و اسرائیل آغاز می‌شود و نه به اتحاد عربی-اسرائیلی علیه ایران ختم خواهد شد و در واقع، واشینگتن به جای تلاش بیهوده برای ایجاد یک اتحاد ضدایران، باید در چارچوب یک نظم تازه منطقه‌ای به بلندپروازی‌های ایران چارچوب دهد

اهمیت تنش‌زدایی با ایران

مسئله فلسطین، تنها چالش بر سر راه یک خاورمیانه باثبات نیست. واشینگتن باید به عنوان بخشی از این معامله بزرگ، تنش‌ها با ایران را کاهش دهد و از توافقش با ریاض برای محدودسازی-نه بازدارندگی-بلندپروازی‌های تهران بهره بگیرد. نگرانی‌های ایران شامل سرازیرشدن سیل سلاح‌های امریکایی به عربستان، برنامه هسته‌ای مدنی عربستان و گسترش حضور نظامی امریکا در منطقه است. همچنین حضور اطلاعاتی و نظامی مستقیم اسرائیل در خلیج فارس، یک کابوس برای ایران است.

خوشبختانه- برای ایران- عربستان‌سعودی نمی‌خواهد همگرایی‌اش با تهران را که امتیازی برای ریاض است، خاتمه دهد. از زمان آغاز دوباره روابط تهران- ریاض، حوثی‌های یمن حملات‌شان به عربستان را متوقف کرده‌اند. ریاض و تهران در کنار هم، یک آتش‌بس پایدار را در یک جنگ خشونت‌بار، در یمن برقرار کرده‌اند، در نتیجه به نظر می‌رسد ریاض دیگر با این دیدگاه اسرائیل همراه نیست که یک محور مشترک نظامی و اطلاعاتی برای پس راندن نفوذ منطقه‌ای ایران شکل دهند. عربستان‌سعودی با شریک کردن ایران در مسائل دوجانبه و منطقه‌ای و در حالی که یک معامله بزرگ را با امریکا به پیش می‌برد، می‌تواند مقاومت ایران برای یک توافق با امریکا را کاهش دهد و حتی راه‌هایی را برای همراه ساختن تهران با یک نظم منطقه‌ای تازه پیدا کند.

امریکا شاید از این رویکرد ریاض احساس خوشایندی نداشته باشد اما واشینگتن نمی‌تواند از عادی‌سازی پیوندها میان ایران و همسایگان عربش جلوگیری کند. با قوی‌تر شدن محور مقاومت ایران، دولت‌های عربستان، ترکیه و امارات همگی تصمیم گرفتند برای امنیت خودشان، تهران باید در منطقه پذیرفته و درهم بافته شود. آنها تصمیم گرفتند که چنانچه با تهران تعامل کنند و تهران منافع روشنی در روابط دوجانبه ببیند، بهتر می‌توانند از امنیت خود محافظت کنند، بنابراین واشینگتن به جای تلاش بیهوده برای ایجاد یک اتحاد ضدایران، باید در چارچوب یک نظم تازه منطقه‌ای، به بلندپروازی‌های ایران چارچوب دهد. به این منظور، واشینگتن باید عربستان‌سعودی و دیگر کشورهای خلیج‌فارس را به تعمیق روابط دیپلماتیک و تعامل اقتصادی با ایران ترغیب کند تا رضایت تهران را برای یک حل‌وفصل دائمی برای مسئله فلسطین و کاهش تنش در شامات جلب کند. دستیابی به یک راه‌حل برای مسئله فلسطین، بدون دست‌کم موافقت پنهان تهران دشوار خواهد بود و هر توافقی با حضور تهران، بسیار تاب‌آوری بیشتری خواهد داشت.

هنوز یک مسئله هست که اسرائیل، امریکا و بیشتر کشورهای عربی بر سر آن توافق دارند؛ برنامه هسته‌ای ایران. تهران و واشینگتن پیش از حمله هفتم اکتبر حماس که ابتدا حصول توافق میان تهران و واشینگتن را منتفی می‌کرد، دو طرف محتاطانه درصدد کاهش تنش بودند و توافق پنهانی‌شان تا حدود زیادی پابرجا ماند. ایران و امریکا برای رسیدن به یک توافق باید از همان جایی که در آگوست ۲۰۲۲ گفت‌وگوها را ترک کردند، دوباره کارشان را شروع کنند... اما برخلاف ۲۰۲۲، امریکا باید گفت‌وگوهای هسته‌ای‌اش را از نزدیک با تلاش‌های خود عربستان برای کاهش تنش با ایران هماهنگ کند. این دو زمینه، به هر حال باهم پیوند دارند.

فارین افرز
۲۰نوامبر ۲۰۲۳
ترجمه: معاونت مطبوعاتی

گزارش

صبر و مقاومت فلسطینی‌ها توجه به اسلام را زیاد کرد

غربی‌ها قرآن می‌خوانند تا مقاومت غزه را بفهمند!

برگردان: فاطمه مصلحی

کسانی که اهل خواندن هستند، مضامینی را پیدا می‌کنند که با ارزش‌های آنها همخوانی دارد و در غرب، افراد به دنبال «افزایش همدلی» با دینی هستند که مدت‌ها غربی‌ها به آن اهانت کرده‌اند. «مگان بی‌رایس» یکی از این افراد است، او علاقه شدیدی به مطالعه دارد و به همین دلیل، یک باشگاه رمان عاشقانه را در بستر پیام‌رسانی فوری دیسکورد (Discord) راه‌اندازی کرد. علاوه بر این، او نقدهای کتاب را در شبکه اجتماعی تیک‌تاک منتشر می‌کند. رایس ۳۴ساله که در شیکاگو زندگی می‌کند، طی یک ماه گذشته از حساب‌های خود در رسانه‌های اجتماعی برای صحبت در مورد بحران انسانی در غزه استفاده کرد. او در مصاحبه‌ای می‌گوید: «می‌خواستم در مورد ایمان مردم فلسطین صحبت کنم و بگویم که چقدر این ایمان قوی است و آنها در شرایطی که همه چیز را از دست داده‌اند، هنوز هم دلیلی دارند که خدا را شکر کنند.» رایس با وجودی که در یک فضای مذهبی بزرگ نشده، اما «باشگاه کتاب ادیان جهانی» را در Discord ترتیب داد؛ جایی که افراد با هر پیشینه‌ای می‌توانند در کنار او قرآن را مطالعه کنند. در چنین فضایی، رایس هر چه بیشتر می‌خواند، بیشتر متوجه می‌شد که محتوای متن با ساختار اعتقادی اصلی خودش همراستاست. به عقیده او، قرآن ضدمصرف‌گرایی، ستم‌ستیز و طرفدار حقوق زنان است. رایس در عرض یک ماه، شهادتین را گفت و محجبه و مسلمان شد. مگان بی‌رایس می‌گوید: «معمولاً ما به مبارزه جامعه مذهبی با علم عادت کرده‌ایم و حالا می‌بینیم که یک دین، علم را پذیرفته و از متون مقدس دین برای حمایت از علم استفاده می‌کند.»

رایس تنها فردی نیست که می‌خواهد قرآن را تجربه کند. در تیک‌تاک جوانان متون را می‌خوانند تا دینی را که مدت‌ها رسانه‌های غربی آن را تحقیر کرده‌اند، درک کنند و در این حین، با بسیاری از مسلمانان غزه ابراز همبستگی می‌کنند؛ ویدئوهایی که با هشتگ قرآن بوک کلاب (quranbookclub)) ۹/۱میلیون بازدید دارد. در کنار این هشتگ، کاربران به صورتی دیده می‌شوند که متون تازه‌خریداری‌شده خود را بالا نگه داشته و آیات را برای اولین بار می‌خوانند. عده‌ای دیگر، نسخه‌های رایگان را به صورت آنلاین پیدا می‌کنند یا هنگام رانندگی به سمت محل کار، به قرائت آیات گوش می‌دهند. همه افرادی که قرآن را در تیک‌تاک می‌خوانند زن نیستند، اما اکثر مخاطبان را زنان تشکیل می‌دهند. در فضای #BookTok کاربران جمع می‌شوند تا درباره کتاب‌ها بحث کنند.

تفاوت شرایط ۱۱ سپتامبر با هفتم اکتبر

زارینا گروال، دانشیار دانشگاه ییل روی کتابی درباره کتاب مقدس اسلام و مدارای مذهبی در فرهنگ امریکایی کار می‌کند. او بر این باور است که مردم اغلب شروع به خواندن متون می‌کنند، به این امید که از جهان‌بینی خود حمایت کنند. او گفت که بروز چنین علاقه‌ای در شبکه اجتماعی تیک‌تاک بی‌سابقه نیست. پس از ۱۱ سپتامبر هم قرآن به یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌ها تبدیل شد. با این تفاوت که در آن زمان بسیاری از امریکایی‌ها این کتاب را با این هدف می‌خریدند تا تعصباتی را که در مورد اسلام داشتند و آن را دینی ذاتاً خشونت‌آمیز می‌دانستند، تأیید کنند. گروال می‌گوید: «تفاوت آن دوران و این روزها در این است که مردم برای درک هفتم اکتبر، به قرآن روی نمی‌آورند. آنها قرآن می‌خوانند تا مقاومت باورنکردنی، ایمان، قدرت اخلاقی و شخصیتی را که در فلسطینیان مسلمان می‌بینند، درک کنند.»

این چیزی است که نفرتاری مون، ۳۵ساله اهل تامپای فلوریدا را وادار کرد تا قرآن همسرش را بردارد. مون خود را فردی معنوی می‌دانست و نه مذهبی و شوهرش را مسلمانی که اهل عمل نیست. او می‌گوید: «می‌خواستم ببینم چه چیزی باعث می‌شود مردم وقتی به مرگ خیره می‌شوند، خدا را صدا کنند. دیدن متون قرآن باعث شد توجهم به این کتاب جلب شود و من از لحاظ عاطفی به آن وابسته شدم.» به همین دلیل، مون تصمیم گرفت که شهادتین را بگوید. او می‌گوید: «نمی‌توانم حسی که دارم را توضیح دهم اما با خواندن قرآن حس آرامش دارم و احساس سبکی می‌کنم، مثل اینکه به چیزی برگشتم که همیشه وجود داشت و منتظر بازگشتم بود.»

میشا یوسف، نویسنده و مجری پادکست پاکستانی- امریکایی که به مطالعه تفاسیر مترقی قرآن می‌پردازد، از سال ۲۰۲۰ مجموعه اینستاگرامی باشگاه کتاب قرآن خود را راه انداخته است. یوسف معتقد است: «قرآن مملو از استعاره‌های طبیعت است و شما را تشویق می‌کند یک محیط‌بان باشید. قرآن همچنین این نگرش ضدمصرف‌گرایی را دارد؛ این حس که همه ما مباشر زمین هستیم که نباید با دنیا یا همنوعان رابطه استثماری برقرار کنیم.»

> غیرمسلمانان زیادی در جوامع غربی در حال مطالعه کتاب مقدس مسلمانان هستند تا درک کنند چطور ایمان فلسطینیان آنقدر قوی است که «آنها در شرایطی که همه چیز را از دست داده‌اند، هنوز هم دلیلی دارند که خدا را شکر کنند»

چان مالک هم به اسلام گروید

«سیلویا چان مالک» یکی دیگر از این افراد است، او پس از ۱۱ سپتامبر، در بحبوحه افزایش نفرت از مسلمانان و بیگانه‌هراسی در رسانه‌ها در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل می‌کرد. مالک می‌گوید: «من بسیار علاقه‌مند بودم که ببینم چه اتفاقی می‌افتاد و آن را با تاریخ امریکایی‌های ژاپنی تبار پس از واقعه پرل هاربر مقایسه کردم و شخصاً بررسی این موضوع را شروع و با مسلمانان واقعی ملاقات کردم و وقتی درباره اسلام تحقیق کردم، واقعاً شگفت‌زده شدم.» چان مالک هم به اسلام گروید. او اکنون دانشیار دانشگاه راتگرز است که تحقیقاتش بر تاریخ اسلام و اسلام‌هراسی در ایالات‌متحده متمرکز است. چان مالک می‌گوید: «من تجربه بسیار مشابهی با آنچه اکنون در تیک‌تاک اتفاق می‌افتد، داشتم و تعجب می‌کردم که چرا مسلمانی‌ای که می‌شناختم، با آنچه در اخبار شنیدم، تفاوت داشت. من هرگز چنین گسست گسترده‌ای بین ادراک عمومی و حقیقت را تجربه نکرده بودم.»

رایس با وجودی که در سایه ۱۱ سپتامبر بزرگ شده اما اسلام‌هراسی و تبعیض علیه مسلمانان امریکا را نپذیرفته است. او می‌گوید: «به عنوان یک زن سیاهپوست، من عادت دارم که دولت امریکا کلیشه‌های مضری را منتشر کند که به برداشت‌های نادرستی منجر می‌شود که افراد خارج از جامعه من درباره سیاهپوستان دارند. من هرگز کلیشه‌هایی را که پس از ۱۱ سپتامبر در مورد جامعه مسلمانان منتشر شد، باور نکردم اما زمانی که شروع به خواندن قرآن کردم، متوجه شدم آن باورهای غلط به نوعی حتی در من هم درونی شده‌اند، چون تا پیش از این معتقد بودم اسلام تعالیم بسیار سختگیرانه‌ای دارد.»

رایس، قرآن خواندن را با هدف ابراز همدردی با فلسطینی‌های گرفتار در غزه آغاز کرد و اکنون، این کار به عنصر اصلی زندگی او تبدیل شده است. او تأکید دارد: «از دید من، مهم نیست که شما چه پیشینه مذهبی داشته باشید. شما می‌توانید با یادگیری صمیمی‌ترین بخش‌های زندگی یک فرد که شامل ایمان او نیز می‌شود، همدلی را با او را افزایش دهید.»

منبع: گاردین

دورنما

چرخش ۱۷ اکتبر در روایت مسلط اروپایی

دکتر سیدرضا میرطاهر

اعلام آمادگی اسپانیا و بلژیک برای به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطینی تحولی مهم در رویکرد اروپا درباره مسئله فلسطین محسوب می‌شود. «پدرو سانچز» نخست‌وزیر اسپانیا و «الکساندر دی کرو» نخست‌وزیر بلژیک که با یکدیگر در سفری کوتاه به کشور مصر سفر کرده بودند، اقدامات رژیم‌صهیونیستی را محکوم کردند. پدرو سانچز روز جمعه سوم آذر گفت که مادرید آماده به رسمیت شناختن یکجانبه کشور فلسطین است، حتی اگر این اقدام مخالف نظر اتحادیه اروپا باشد، او گفته که در حالت ایده‌آل، به رسمیت شناختن فلسطین یک باره و با مشارکت حداقل چندین کشور عضو اتحادیه اروپا انجام خواهد شد. سانچز در جریان یک کنفرانس مطبوعاتی در گذرگاه مرزی رفح در مصر، به رسانه‌ها تصریح کرد: «فکر می‌کنم زمان آن فرا رسیده است که جامعه بین‌المللی به ویژه اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن، کشور فلسطین را به رسمیت بشناسند.» نخست‌وزیر اسپانیا ادامه داد: «اگر اینطور نباشد، قطعاً اسپانیا تصمیمات خود را خواهد گرفت.» تا پیش از این، سانچز به رسمیت شناختن یکجانبه دولت فلسطین از سوی اسپانیا را رد می‌کرد و همیشه آن را مشروط به تصمیم مشترک با دیگر شرکای اروپایی می‌دانست اما او اکنون یک گام فراتر رفته و از آمادگی برای به رسمیت شناختن یکجانبه فلسطین در صورت به تعویق انداختن این تصمیم از سوی جامعه بین‌المللی و اتحادیه اروپا خبر داده است، البته او به خوبی از این مسئله آگاهی دارد که روند سیاسی برای تحقق راهکار دودولتی بسیار پیچیده خواهد بود، اما به نظر می‌رسد در رویکرد خود در این زمینه مصمم است. نخست‌وزیر اسپانیا یکی از سران اروپایی است که قتل‌عام غیرنظامیان بی‌گناه غزه را به شدت محکوم کرده و اسپانیا نیز از جمله کشورهای جهان است که از نخستین روزهای جنگ غزه، نه فقط فریاد حمایت از فلسطین در شهرهای مختلف آن بلند شد، بلکه برخلاف بسیاری از کشورهای غربی، بسیاری از سران و سیاستمداران این کشور اروپایی در کنار فلسطین و مردم غزه ایستاده‌اند. الکساندر دی کرو، نخست‌وزیر بلژیک نیز در مصاحبه با خبرنگاران اعلام کرد که اولویت اول آزادی اسرای در اختیار حماس و کمک به کاهش بحران انسانی در نوار غزه است. دی کرو گفته است: پس از این امر، باید دور میز بنشینیم و درباره موضوع «به رسمیت شناختن فلسطین» بحث کنیم. اسپانیا در حال حاضر ریاست شورای اتحادیه اروپا را بر عهده دارد و بلژیک از اول ژانویه ۲۰۲۴ (۱۱دی ۱۴۰۲) این پست را بر عهده خواهد گرفت.

پس از سخنان نخست‌وزیران اسپانیا و بلژیک در رفح، وزارت خارجه رژیم‌صهیونیستی روز جمعه سوم آذر سفیران اسپانیا و بلژیک را احضار و ادعا کرد که سخنان نخست‌وزیران اسپانیا و بلژیک «حمایت از تروریسم» است. وزیر امور خارجه اسپانیا در پاسخ به اتهام «غیرقابل قبول»، «حمایت از تروریسم» از سوی رژیم‌صهیونیستی علیه نخست‌وزیر اسپانیا و احضار سفیر این کشور در فلسطین اشغالی، در پاسخی متقابل، سفیر اسرائیل را برای ارائه توضیحات فراخواند.

رنگ باختن مظلوم‌نمایی تل آویو

عصبانیت شدید رژیم‌صهیونیستی از اعلام موضع دو کشور مهم اروپایی یعنی اسپانیا و بلژیک به عنوان دو عضو اتحادیه اروپا درباره به رسمیت شناختن کشور فلسطینی با توجه به تحولات اخیر در جنگ غزه معنا پیدا می‌کند. تل‌آویو از دو روز بعد از عملیات حماس هفتم اکتبر حماس اعلام کرد، غزه را در محاصره کامل قرار داده و بعد از بستن آب و برق به روی مردم ورود سوخت به این منطقه را ممنوع و شدیدترین و بی‌سابقه‌ترین حملات هوایی و زمینی را علیه نوار غزه انجام داده است. پس از عملیات طوفان‌الاقصی، سران رژیم‌صهیونیستی به ویژه بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر این رژیم تهدید کرده بودند جنگ در غزه را تا نابودی کامل جنبش حماس ادامه خواهند داد، ولی حالا پس از بیش از ۵۰روز از حملات بی‌سابقه و گسترده هوایی که به شهید و زخمی‌شدن هزاران فلسطینی ساکن غزه منجر شد و نیز حملات زمینی دامنه‌دار، به دلیل عدم‌موفقیت در رسیدن به اهداف تعیین‌شده و نیز تلفات بالای انسانی و خسارات زیاد تجهیزاتی در کنار فشار رو به تزاید جامعه بین‌المللی، تل‌آویو ناچار به قبول آتش‌بس و تبادل اسرا شده است. کشتار و زخمی کردن دهها هزار فلسطینی موجب شده است مظلوم‌نمایی اسرائیل که پس از عملیات طوفان‌الاقصی به مدد رسانه‌های غربی به شدت تبلیغ می‌شد، اکنون رنگ باخته و بار دیگر مسئله امتناع رژیم‌صهیونیستی از اجرای طرح دودولتی به رغم قبول آن در گذشته مطرح شود. رژیم‌صهیونیستی به اشغال کرانه باختری و نوار غزه در جریان جنگ ژوئن ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل پرداخته و این اشغال را به رغم درخواست صریح شورای امنیت سازمان ملل طی قطعنامه ۲۴۲ برای پایان دادن به اشغال این مناطق تداوم بخشیده است. این امر حتی از نگاه سازمان ملل متحد نیز به مثابه دلیلی برای اقدامات فلسطینی‌ها از جمله حماس در راستای احقاق خود از جمله حق داشتن کشور مستقل شمرده شده است. آنتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل متحد درباره عملیات حماس در هفتم اکتبر (۱۵مهر) علیه رژیم‌صهیونیستی گفته «این حمله» در بستر ۵۶سال «اشغالگری خفه‌کننده» صورت گرفته است. او خواستار توجه به زمینه‌هایی شده است که باعث وقوع این عملیات علیه رژیم‌صهیونیستی شده‌اند. وی تصریح کرد: حملات هفتم اکتبر قتل‌عامی را که در غزه اتفاق می‌افتد، توجیه نمی‌کند. از دیدگاه دبیر کل سازمان ملل ادامه اشغالگری و نیز اقدامات غیرقانونی و ضدانسانی رژیم‌صهیونیستی مانند غصب اراضی و اخراج فلسطینی‌ها از اراضی اشغالی ۱۹۶۷ و الحاق بخشی از کرانه باختری به فلسطین اشغالی و نیز تلاش آشکار این رژیم برای تداوم شهرک‌سازی‌ها در کرانه باختری و کشتار روزمره فلسطینی‌ها با پاسخ تند فلسطینی‌ها مواجه شده است.

> حمایت‌های بی‌چون و چرای غربی‌ها از جمله سران آلمان، بریتانیا و فرانسه از اسرائیل و اقدامات جنایتکارانه آن در نوار غزه به بهانه دفاع از خود، حتی آنها را نیز در روایت قدیمی اسرائیل محور در مسئله فلسطین دور کرده است

تغییر روایت غربی

مسئله مهم اینکه به رغم حمایت‌های بی‌چون و چرای غربی‌ها از جمله سران آلمان، بریتانیا و فرانسه در کنار رئیس‌جمهور امریکا از اسرائیل و اقدامات جنایتکارانه آن در نوار غزه به بهانه دفاع از خود، حتی آنها نیز کم‌وبیش در اظهارات خود مسئله امتناع رژیم‌صهیونیستی از قبول طرح دودولتی را قبول کرده و خواهان اجرایی‌شدن آن شده‌اند. هر چند کابینه‌های مختلف اسرائیل به درجات به طور ضمنی یا صریح مخالف طرح دودولتی بوده‌اند اما از زمان روی کار آمدن کابینه راست‌گرای افراطی بنیامین نتانیاهو در ژانویه ۲۰۲۳ این مخالفت تشدید شده است و حتی برخی وزرای وی خواهان بیرون راندن فلسطینی‌ها و کشتار آنها شده‌اند. این موضع‌گیری‌ها متحدان غربی رژیم‌صهیونیستی را در تنگنا قرار داده و راه توجیه تصمیم‌ها و اقدامات اسرائیل را به روی آنها بسته است. اکنون کشورهای مختلف جهان همراستا با سازمان ملل متحد خواهان اجرایی‌شدن طرح دودولتی هستند و حتی در این مسیر کشورهای اروپایی مانند اسپانیا و بلژیک نیز خواهان عملی‌شدن ایجاد کشور فلسطینی شده‌اند. به نظر می‌رسد حمایت از فلسطینی‌ها و محکومیت رژیم‌صهیونیستی تبدیل به گفتمان غالب در سطح جهانی شده است. در واقع با تغییر تدریجی نظام بین‌المللی و چندقطبی‌شدن آن، دیگر گفتمان و روایت غربی- صهیونیستی از مسئله فلسطین جایی ندارد و رویکرد جدیدی مبتنی بر لزوم رعایت حقوق ملت فلسطین از جمله حق تشکیل کشور مستقل فلسطینی به تدریج در حال جایگزینی آن است.